

بررسی راهکار کاربرد کارت‌های اعتباری از دیدگاه شریعت اسلام

سید جمال الدین محسنی زنوزی*

مهران کیانوند**

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۵۷	چکیده.....
۲۵۸	مقدمه.....
۲۵۹	۱- کارت‌های اعتباری و انواع آن
۲۶۰	۱-۱- کارت بدهی
۲۶۰	۱-۲- کارت اعتباری در مفهوم خاص
۲۶۱	۱-۳- کارت هزینه
۲۶۱	۲- عناصر تشکیل دهنده کارت‌های اعتباری.....
۲۶۲	۳- احکام شریعت در مورد کارت‌های اعتباری
۲۶۳	۳-۱- حاکمیت قرارداد جعاله و جریمه تأخیر
۲۶۳	۳-۲- حاکمیت قرارداد حواله و جریمه تأخیر.....
۲۶۳	۳-۳- قرارداد براساس بیع نسبه و خرید دین
۲۶۴	۳-۴- قرارداد کارت اعتباری برحسب بیع العینه
۲۶۵	۳-۵- طراحی کارت اعتباری براساس قراردادهای بیع نسبه و حواله.....
۲۶۵	۳-۶- راهکار پیشنهادی.....
۲۶۶	۳-۶-۱- رابطه بین ناشر و دارنده کارت.....
۲۶۷	۳-۶-۲- رابطه بین ناشر و بازرگان.....
۲۶۷	۳-۶-۳- رابطه بین دارنده کارت و تاجر.....
۲۶۸	۴- بررسی شرایط حاکم بر کارت‌های اعتباری.....
۲۶۸	۴-۱- مفهوم کلی شرط و اصول حاکم بر آن
۲۷۰	۴-۲- انواع شرایط در قراردادها
۲۷۰	۴-۲-۱- شرایط صحیح.....
۲۷۲	۴-۲-۲- شرایط باطل

صفحه	عنوان
۲۷۳ ۴-۲-۳- شرط غرامت و جریمه تأخیر در پرداخت
۲۷۳ خلاصه و نتیجه گیری
۲۷۵ کتاب نامه

چکیده

براساس قانون اسلام صدور یا تهیه کارت‌های بدهی جایز است. مشروط بر اینکه دارنده فقط از موجودی حساب خود برداشت کند و هیچ سود و بهره‌ای (ربا) از او گرفته نشود. البته ناشر حق دارد هزینه‌های ثابتی را به عنوان کارمزد خدمات ارایه شده، از دارنده کارت دریافت کند. در مورد کارت‌های هزینه نیز همین وضعیت برقرار است. لیکن آنچه که جای اختلاف است کارت‌های اعتباری هستند. در این نوع کارت‌ها به دلیل بهره‌ای که از دارنده کارت توسط ناشر دریافت می‌شود، از نظر اسلامی قابل قبول نمی‌باشد.

دانشمندان و حقوقدانان اسلامی روش‌های متفاوتی را برای ایجاد امکان استفاده از این کارت‌ها بیان کرده‌اند تا بتوانند بهره و ربا را از آن‌ها حذف کرده و آن‌ها را در قالب عقود اسلامی وارد سازند. این روش‌ها شامل: حاکمیت قرارداد جعاله و جریمه تأخیر، حاکمیت قرارداد حواله و جریمه تأخیر، قرارداد بر اساس بیع نسبی، قرارداد بر حسب بیع‌العینه و کارت اجاره است. در همه روش‌های فوق رابطه بین ناشر، تاجر و دارنده در کارت اعتباری براساس یک عقد مانند عقد اجاره، عقد جعاله، حواله و ... صورت می‌پذیرد. لیکن در راهکار پیشنهادی، ارتباط بین طرفین (ناشر، تاجر و دارنده) در قالب سه نوع رابطه مدنظر قرار می‌گیرد. قرارداد بین ناشر و دارنده کارت، یک قرارداد اعتباری است که در قانون اسلام تحت عنوان عقد قرض شناخته می‌شود. رابطه ناشر و بازرگان یک قرارداد بازپرداخت است که در چارچوب صلح است و رابطه بازرگان و دارنده کارت یک قرارداد فروش است که از دید اسلامی بیع به شمار می‌آید.

کلمات کلیدی: کارت اعتباری، شریعت اسلام، بیع، صلح، قرض.

مقدمه

از ابتدای تاریخ، بشر با تجارت و بازرگانی درگیر بوده است. همچنان که این حوزه گسترش یافته و مهم‌تر شده است، روش‌های مختلف مبادله نیز توسعه یافته است. از تجارت به شکل مبادله کالا با کالا، تا پول به‌عنوان یک واسطه مبادله و امروزه جهان به سوی کارت‌های اعتباری حرکت می‌کند. کارت‌های اعتباری، چیز جدیدی نیستند. آن‌ها، یا چیزهایی مشابه آن‌ها، از آغاز قرن بیستم وجود داشته‌اند. براساس برخی اسناد و مدارک، استفاده از کارت‌های اعتباری در دهه ۱۹۲۰، در آمریکا آغاز شده است.

در سال ۱۹۵۰، باشگاه دینرس^۱، نخستین طرح کارت اعتباری مستقل را عرضه کرد. این طرح شامل یک قرارداد میان باشگاه و اعضای آن از یک سو و بین باشگاه و بازرگانان از سوی دیگر بود. اعضا موافقت کردند تا برای تهیه کارت، به باشگاه پول پرداخت کنند و سپس توافق کردند تا صورت‌حساب را ماهانه بپردازند. در رابطه با بازرگانان، باشگاه تعهد کرد به موقع رسید اعتباری آن‌ها را پرداخت کند. در بریتانیا، تا سال ۱۹۶۳ که اداره پست آمریکا، اولین کارت آمریکن اکسپرس استاندارد خود را صادر کرد، اتفاقی نیفتاد. نخستین بانک بریتانیایی که کارت اعتباری صادر کرد، بانک بارکلی^۲ بود که در سال ۱۹۶۵ کارت بارکلی را صادر کرد. بارکلی به یک توافق با "بانک آمرکارد" (ویزا)^۳ رسید، به‌طوری‌که کارت بارکلی می‌توانست به شکل بین‌المللی استفاده شود (سالیهو، ۲۰۰۶، ۹).

کارت‌های اعتباری می‌توانند مزایای معینی برای دارنده آن، ارائه دهند. اول آنکه، آن‌ها ابزارهای ساده‌ای برای کسب اعتبار برای یک دوره اعتبار بدون بهره، از یک هفته تا یک ماه فراهم می‌سازند. دوم آنکه، کارت‌های اعتباری به راحتی می‌توانند برای برداشتن پول نقد از باجه یا دستگاه خودپرداز^۴، استفاده شوند. علاوه بر آن، کارت‌های اعتباری می‌توانند پشتیبانی بیش‌تری به دارنده آن ارائه کنند. این پشتیبانی می‌تواند به شکل بیمه برای خریدهای بزرگ باشد که توسط برخی شرکت‌های کارت اعتباری، ارائه می‌شود. همین‌طور، ممکن است در زمان زیان، خسارت، یا سرقت کالایی که به وسیله دارنده کارت خریداری شده است، تحت پوشش بیمه به او غرامت داده شود. با

^۱ Diners Club

^۲ Barclays Bank

^۳ Bank Americard (VISA)

^۴ ATM :Automatic Teller Machine

توسعه فناوری و تکامل اینترنت، کارت‌های اعتباری به دارندگان خود اجازه می‌دهند تا کالاها را از سراسر جهان به وسیله تلفن یا به صورت برخط یا آنی^۱، خریداری کنند.

همچنین، اشکالاتی در کارت‌های اعتباری نیز وجود دارد؛ از جمله اینکه مردم را تشویق به خرج کردن بیش از پولی که دارند، می‌کنند. به این دلیل که در بیش‌تر کارت‌های اعتباری، دارندگان کارت نیازی به تسویه مانده خود در هر ماه ندارند. لیکن سرانجام، مشتری مجبور به تسویه حساب آن خواهد بود و هر چه زمان پرداخت آن بیش‌تر ادامه یابد، پول بیش‌تری بدهکار خواهد شد. چرا که شرکت‌های کارت اعتباری، هر ماه سود پول قرض گرفته شده را مطالبه می‌کنند. به علاوه، شرکت‌های کارت اعتباری بهره زیادی را برای مانده‌ای که در آخر هر ماه پرداخت نشده است، مطالبه می‌کنند. کلاهبرداری از کارت اعتباری، از معایب دیگر استفاده از کارت‌های اعتباری است.

در کنار مشکلات مذکور، مشکل اصلی در کارت‌های اعتباری که از منظر اسلام وجود دارد، دریافت بهره است. از این‌رو اندیشمندان اسلامی روش‌های متفاوتی را برای ایجاد امکان استفاده از این کارت‌ها بیان کرده‌اند، تا بتوانند بهره و ربا را از آن‌ها حذف کرده و آن‌ها را در قالب عقود اسلامی وارد سازند. در این مقاله، ابتدا کارت‌های اعتباری و انواع آن بیان شده است. در بخش بعدی نظر شریعت اسلام درباره کارت‌های اعتباری و راه‌حل‌های پیشنهادی برای استفاده از کارت‌های اعتباری بیان شده است. در بخش چهارم به بررسی شرایط حاکم در کارت‌های اعتباری پرداخته شده و سرانجام خلاصه‌ای از مباحث ارائه شده است.

۱- کارت اعتباری و انواع آن

کارت اعتباری در مفهوم عام^۲ آن، ابزاری است که به جای پول نقد در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. دارنده کارت با ارایه آن در مراکز خرید یا خدماتی که طرف قرارداد با بانک یا مؤسسه ناشر کارت هستند، بازپرداخت وجوه و تسویه هزینه‌های مربوط به خریدهای انجام شده را به بانک یا مؤسسه ناشر کارت محول و کالا یا خدمت مورد نظر را دریافت می‌کند. علاوه بر آن، دارندگان کارت‌های اعتباری این امکان را دارند که در هر زمان و مکانی با استفاده از دستگاه‌های خودپرداز نسبت به دریافت وجوه نقد مورد نیاز خود اقدام کنند.

^۱ Online

^۲ از آن جهت که کارت اعتباری در تقسیم بندی متعارف به سه بخش تقسیم می‌شود ۱- کارت بدهی ۲- کارت اعتباری، ۳- کارت هزینه. برای ایجاد تمایز اولی را در مفهوم عام و دومی را در مفهوم خاص معرفی می‌کنیم.

کارت‌های اعتباری براساس معیارهای مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند، از جمله طبقه‌بندی بر مبنای سود دریافتی، براساس نحوه کنترل کارت‌ها، بر مبنای مؤسسات و واحدهای تجاری صادرکننده، ماهیت گردش پول، ارتباط میان طرفین درگیر و لیکن آنچه در رابطه با این کارت‌ها می‌تواند مدنظر دین مبین اسلام باشد، نحوه ارتباط میان طرفین درگیر و شرایط حاکم بر این ارتباطات است که شرعی یا غیرشرعی بودن این روابط را تعیین می‌کند. به این دلیل که، شرایط اغلب به علت ارتباط با روح و جان معاملات مورد توجه قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: "المومنون عند شروطهم"^۱.

کارت‌های اعتباری در مفهوم عام انواع مختلفی دارند که در حالت کلی به بررسی کارت بدهی، کارت اعتباری در مفهوم خاص و کارت هزینه می‌پردازیم.

۱-۱- کارت بدهی

این نوع کارت توسط یک مؤسسه مالی برای استفاده دارندگان حساب در نزد آن مؤسسه صادر می‌شود و این امکان را برای دارندگان کارت فراهم می‌کند که در خریدهای روزمره نیازی به وجوه نقد نداشته باشند و بتوانند به کالاها و خدمات و یا هرچیز با ارزش دیگری تا سقف اعتباری مانده حساب خود دسترسی داشته باشند. استفاده از این نوع کارت همانند استفاده از چک‌های بانکی است. زیرا در این نوع کارت همانند چک، دارنده کارت این اجازه را به بانک می‌دهد تا مبلغی را از حساب وی برداشت و به حساب فروشنده انتقال دهد. معمولاً از این کارت‌ها برای برداشت وجوه نقد با استفاده از دستگاه خودپرداز و یا خرید و انجام معامله در محل فروش از طریق پایانه‌های فروش^۲ استفاده می‌شود.

۱-۲- کارت اعتباری در مفهوم خاص

کارت‌هایی هستند که ناشر تا سقف معینی خرید توسط این کارت را که براساس اعتبار دارند کارت مشخص می‌شود، تضمین می‌کند. دارنده کارت اعتباری در پایان هر ماه صورت‌حسابی از بانک خود دریافت می‌کند که در آن کلیه معاملاتی که با کارت انجام داده با جزییات کامل ذکر شده است. تفاوت این نوع کارت با کارت بدهی آن است که در کارت بدهی دارنده کارت ابتدا وجهی را در حساب خود نزد بانک واریز می‌کند و سپس از طریق کارت از موجودی خود استفاده می‌کند، لیکن

^۱ وسائل الشیعه ۲۷۶/۲۱.

^۲ POS: Point of Sale

در کارت اعتباری دارنده ابتدا از اعتبار اعطایی بانک استفاده کرده و سپس نسبت به پرداخت و تسویه حساب اقدام می‌کند.

کارت‌های اعتباری خود بر دو نوع تقسیم می‌گردند: ۱- کوتاه‌مدت و ۲- بلندمدت.

در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت دارنده کارت موظف است در پایان دوره تمام مبلغ استفاده شده را پرداخت کند و حداقل پرداختی وجود نخواهد داشت. از جمله این کارت‌ها می‌توان به کارت باشگاه دینرس و گرین کارت منتشره توسط آمریکن اکسپرس اشاره کرد. اما در نوع دوم دارنده کارت موظف است که در طی چند دوره حداقل پرداختی به صورت اقساطی در طول دوره‌های مختلف داشته باشد که این پرداخت مشتمل بر بهره (ربا) است. از جمله این کارت‌ها می‌توان به ویزا (بانک بارکلی انگلیس) و کارت طلایی (آمریکن اکسپرس) اشاره کرد.

شایان ذکر است که اگر دارنده کارت تا تاریخ معینی (برای مثال سه ماه) بدهی خود را نپردازد و تقاضای قسط‌بندی نیز نکند، بانک طی اخطاری، اصل مبلغ بدهی را همراه با جریمه‌ای که به طور معمول خیلی بیش‌تر از بهره تقسیط است، از دارنده کارت می‌گیرد یا از طریق ضمانت‌ها و وثیقه‌ها وصول می‌کند.

۳-۱- کارت هزینه

مشابه کارت‌های اعتباری است، با این تفاوت که برخلاف کارت اعتباری محدودیت اعتباری برای آن‌ها وجود ندارد. این درحالی است که کارت‌های اعتباری محدودیت دارند و از سوی دیگر کل مانده معوق باید در پایان دوره تسویه شود تا مشمول بهره نشود و این برخلاف کارت اعتباری است که در آن حداقل مبلغ در طول دوره‌های توافقی (اقساط) پرداخت می‌شود. نمونه‌ای از این کارت‌ها، کارت باشگاه دینرس است.

۲- عناصر تشکیل دهنده کارت‌های اعتباری^۱

الف- صادرکننده کارت (ناشر): بانک یا مؤسسه مالی است که به انتشار کارت‌های اعتباری براساس ضوابط خاص اقدام می‌کند و آن‌ها را در اختیار مشتریان می‌گذارد. بانک یا مؤسسه ناشر افزون بر عملیات انتشار، با مراکز تجاری و خدماتی قرارداد منعقد می‌کند که در صورت مراجعه دارندگان کارت، مطابق ضوابط و بدون مطالبه پول نقد، کالا و خدمات در اختیار آنان قرار دهد.

^۱ به نقل از موسویان، فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان ۸۴.

ب- **دارنده کارت:** هر شخص حقیقی یا حقوقی دارای شرایطی است که با مراجعه به بانک یا مؤسسه مالی صادرکننده کارت، کارت اعتباری دریافت می‌کند، تا به وسیله آن بتواند بدون پرداخت پول نقد، کالاها و خدمات مورد نیاز را بخرد و مطابق ضوابط، قیمت آن‌ها را به صادرکننده کارت بپردازد.

ج- **پذیرنده کارت (تاجر):** کلیه مراکز تجاری، خدماتی و مالی هستند که براساس قراردادی با صادرکننده کارت توافق می‌کنند تا در صورت مراجعه دارندگان کارت، کالا و خدمات مورد نیاز آنان را فقط در برابر ارائه کارت تقدیم کنند، سپس طبق قرارداد بهای کالاها و خدمات را از صادرکننده کارت دریافت کنند.

۳- احکام شریعت در مورد کارت‌های اعتباری

در این بخش به‌طور اجمالی در مورد نظر شریعت اسلام در رابطه با انواع کارت‌های اعتباری می‌پردازیم.

براساس قانون اسلام صدور یا تهیه کارت‌های بدهی جایز است به شرط آنکه دارنده فقط از موجودی حساب خود برداشت کند و هیچ سود و بهره‌ای (ربا) از او گرفته نشود. در مورد کارت‌های هزینه نیز همین وضعیت برقرار است. یعنی صدور کارت‌های هزینه اگر شامل بهره و سود نباشد مانعی ندارد. استفاده از کارت‌های هزینه طبق قانون اسلام در قالب وام تلقی می‌شود که دارنده از ناشر دریافت می‌کند. از طرفی این حق برای ناشر در نظر گرفته شده که بتواند هزینه‌های ثابتی را به‌عنوان کارمزد خدمات ارایه شده از دارنده کارت دریافت کند. بی‌گمان این کارمزد دریافتی نباید ارتباطی با مقدار وام و مدت آن داشته باشد.

این دو نوع کارت از نظر شرعی مجاز هستند، لیکن آنچه که جای اختلاف است کارت‌های اعتباری هستند. در این نوع کارت‌ها به‌دلیل بهره‌ای که از دارنده کارت توسط ناشر دریافت می‌شود، از نظر اسلامی قابل قبول نیست و مصداق رباست. دانشمندان و حقوقدانان اسلامی روش‌های متفاوتی را برای ایجاد امکان استفاده از این کارت‌ها بیان کرده‌اند تا بتوانند بهره و ربا را از آن‌ها حذف کرده و آن‌ها را در قالب عقود اسلامی وارد سازند. بیش‌تر این روش‌ها، با یک عقد یا دو نوع عقد، رابطه بین دارنده، ناشر و تاجر را بررسی می‌کنند. در این بخش سعی می‌کنیم ضمن بیان مختصری از این نظریات و راهکارها راه‌حلی را برای کاربرد کارت‌های اعتباری در قالب عقود اسلامی پیشنهاد کنیم. این نظریات عبارت‌اند از:

۳-۱- حاکمیت قرارداد جعاله و جریمه تأخیر

در این شرایط قرارداد جعاله بین دارنده کارت (جاعل) و ناشر (عامل) برقرار می‌شود. براساس این قرارداد عامل یعنی ناشر مبلغ بدهی جاعل که در نتیجه خرید کالا یا خدمات توسط کارت اعتباری ایجاد شده را می‌پردازد و جاعل باید اجرت (جعل) را که شامل خود بدهی و کارمزد ثابت می‌باشد، تا مدت یک ماه به عامل پرداخت کند. حال اگر تخلفی در ارتباط با پرداخت به موقع توسط جاعل روی دهد، وی موظف است به ازای هر روز تأخیر و با توجه به مبلغ بدهی، جریمه‌ای را برای جبران پرداخت کند.

از جمله ایرادهای این روش عدم قابلیت تقسیط بدهی دارنده کارت و گسترش باب جریمه تأخیر است که می‌تواند مستمسکی برای گرفتن ربا باشد (موسویان، ۱۳۸۴).

۳-۲- حاکمیت قرارداد حواله و جریمه تأخیر

در این نوع عقد، دارنده کارت (محیل) که مدیون است، طلبکار یا تاجر (محتال) را برای پرداخت وجه ناشی از بدهی خود به ناشر (محال‌علیه) حواله می‌کند و شرطی را به‌عنوان شرط پذیرش حواله در قرارداد حواله می‌گنجاند که این شرط جریمه تأخیر است و طی آن محیل متعهد می‌شود که چنانچه بدهی خود را به موقع پرداخت نکند، به ازای هر روز تأخیر مبلغ مشخصی را با توجه به مقدار بدهی و زمان دیرکرد باید بپردازد.^۱

ایرادهای حالت قبلی بر این حالت نیز حاکم است و فرق این دو در جایگزینی قرارداد حواله به جای جعاله در حالت اولی است.

۳-۳- قرارداد براساس بیع نسبه و خرید دین

در این روش ابتدا فروشنده طی یک معامله برای یک مدت معین کالا و خدمات خود را به دارنده کارت می‌فروشد. مبلغ بدهی دارنده کارت شامل مبلغ خود کالا به‌علاوه مبلغی با نرخ نسبه برای یک مدت معین مشخص می‌شود. در این بین ناشر کارت، بدهکاری دارنده کارت را با نرخ نسبه تنزیل می‌کند و مبلغ اصلی کالا را به تاجر می‌پردازد. پس از این، دارنده کارت فقط در مقابل ناشر

^۱ برای مطالعه بیشتر در این زمینه می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

- محمدعلی تسخیری، درس ۴۸.

- سید عباس موسویان، فصلنامه اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۴.

مسئول خواهد بود. حال ناشر می‌تواند با دارنده شرط کند که اگر مبلغ بدهی‌اش را در یک ماه تسویه کند مبلغ نسبه را از او دریافت نخواهد کرد و یا تسهیلاتی را برای وی در نظر بگیرد تا در صورتی که فرد توانایی تسویه بدهی‌اش را پیش از موعد مشخص داشته باشد، در مبلغ نسبه به وی تخفیف دهد و در غیر این صورت سرمورد معین کل بدهی و مبلغ نسبه از وی دریافت می‌شود.^۱ در این حالت، اگر مبلغ کالا به صورت آنی به فروشنده پرداخت شود، اشکال ایجاد خواهد کرد، به این دلیل که معامله نسبه بوده، لیکن مبلغ آن در همان زمان و بدون وقفه به حساب تاجر واریز شده است.

۳-۴- قرارداد کارت اعتباری بر حسب بیع‌العینه

بیع‌العینه به‌عنوان قرارداد اساسی شامل دو قرارداد، قرارداد فروش دارایی و قرارداد خرید دارایی است که به‌طور جداگانه با یک تفاوت در نرخ هر دو فروش انجام می‌گیرد. الزهیلی بیع‌العینه را این-چنین تعریف می‌کند: "قراردادی است که به استناد آن، یک شخص جنسی را به دیگری می‌فروشد تا مبلغ آن بعداً پرداخت شود و فوراً آن را به قیمت نقدی پایین‌تر می‌خرد."^۲

در این روش ناشر دارایی خود را به دارنده کارت براساس اصل قیمت کالا و پرداختی معوق می‌فروشد و سپس ناشر همان دارایی را طبق قرارداد دیگری از دارنده کارت به‌صورت نقدی به قیمتی برابر با اصل قیمت کالا خریداری می‌کند و در مرحله بعد یک حساب برای دارنده کارت ایجاد کرده و مابه‌التفاوت دو قرارداد را به حساب وی منظور می‌کند. از این طریق دارنده کارت خود را تا سقف اعتبار موجود در کارت انجام می‌دهد. تاجر نیز تحت حواله مطلق، مطالبه بدهی خود را به بانک انتقال می‌دهد. دارنده نیز مانده معوق خود را به بانک پرداخت می‌کند و بدین ترتیب گردش اعتباری صورت می‌گیرد.

در مورد شرعی یا شرعی نبودن بیع‌العینه در بین علمای اسلام اختلاف نظر وجود دارد. به‌عنوان مثال امامیه و شافعی این معامله را به شرطی که رابطه بین معامله اول و دوم وجود نداشته باشد، مجاز می‌دانند.^۳ ولی حنفی، مالکی و حنبلی این معامله را به‌دلیل نیت نادرست افراد مجاز

^۱ مجموعه مباحث شورای مشورتی پیرامون مسائل مالیه و بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، بهار ۱۳۸۶.

^۲ وهبه الزحیلی، ج ۵، ص ۳۰۳۴.

^۳ الشافعی، ج ۳، صفحه ۹۵.

نمی‌دانند.^۱ به نظر مشهور فقهای امامیه (شیخ طوسی، النهایه، ۸۸/۱۳، علامه حلی، قواعد الاحکام، ۵۲۸/۱۴، شهید ثانی، شرح لمعه ۵۱۵/۳) بیع العینه صحیح است، در صورتی که بیع اول مشروط به بیع دوم نبوده و شرط بازخرید در آن انجام نگیرد. اما اگر فروشنده از ابتدا با خریدار شرط کند که کالا را پس از فروختن به قیمت بیش‌تری از او خریداری کند، نظر مشهور بر بطلان آن است و صاحب مفتاح الکرامه بر آن اجماع کرده است (حسینی عاملی، ۴/۴۹۶).
 به نظر امام خمینی، اگر از ابتدا شرط شود که کالا در ازای مبلغ کم‌تری به خود فروشنده فروخته شود، معامله باطل است.^۲

۵-۳- طراحی کارت اعتباری براساس قراردادهای بیع نسبی و حواله

در این روش، مراکز تجاری و خدماتی پذیرنده کارت، کالاها و خدمات مورد نیاز دارندگان کارت را با افزودن نرخ نسبی به صورت نسبی مدت‌دار (برای مثال شش ماهه) می‌فروشند؛ سپس دارنده کارت با قراردادن کارت اعتباری در دستگاه مربوط، فروشنده را برای دریافت قیمت کالاها و خدمات به بانک حواله می‌دهد. بانک بدهی مشتری را به صورت نقد می‌پردازد؛ سپس تا سررسید مقرر از مشتری دریافت می‌کند. در این روش نیز بانک با مشتری قرار می‌گذارد چنانچه مشتری تا یک ماه بدهی را بپردازد، کل نرخ نسبی و چنانچه زودتر از سررسید بپردازد، به تناسب بخشی از نرخ نسبی تخفیف داده خواهد شد. در این روش، بانک نرخ بالایی را به صورت کارمزد فروش از مراکز تجاری و خدماتی دریافت می‌کند؛ به طوری که این نرخ افزون بر نرخ نسبی خواهد بود.
 در این روش مراکز تجاری و خدماتی کالاها و خدمات را به صورت نسبی مدت‌دار می‌فروشند؛ در حالی که همیشه پولشان را به صورت نقد دریافت می‌کنند و این نوعی دوگانگی ذهنی و نوعی بررسی فقهی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا، صوری شدن معامله را تداعی می‌کند (موسویان، ۱۳۸۴).

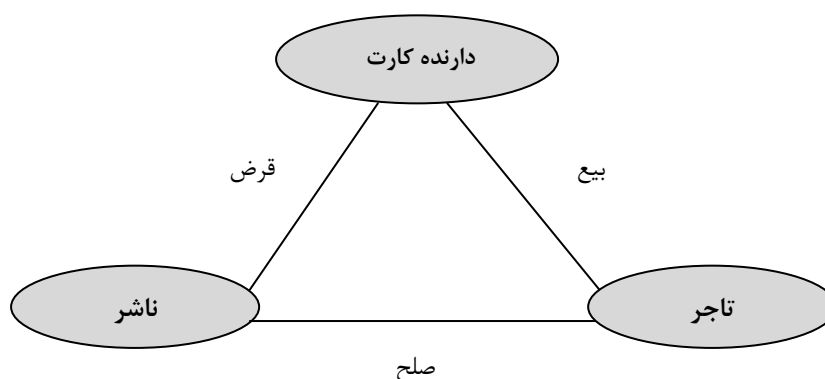
۶-۳- راهکار پیشنهادی

در تمام راهکارهای ذکر شده رابطه بین ناشر، تاجر و دارنده در کارت اعتباری براساس یک عقد یا دو عقد مانند عقد اجاره، عقد جعاله و ... صورت می‌پذیرد. ما در این بخش به منظور بررسی ارتباط

^۱ محمد بن رشد: *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، بیروت، ۱۹۸۱م، ج ۲.

^۲ امام خمینی: *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۵۳۶.

بین طرفین (ناشر، تاجر و دارنده) از دیدگاه قانون اسلامی سه نوع رابطه را مدنظر قرار می‌دهیم. در واقع برای تطبیق بهتر کارت‌های اعتباری با قوانین شرع به جای یک عقد، سه عقد مجزا را در نظر می‌گیریم.



۱-۶-۳- رابطه بین ناشر و دارنده کارت

قرارداد بین ناشر و دارنده کارت، یک قرارداد اعتباری^۱ و از دیدگاه قانونی یک رابطه بدهکار - بستانکار است که در قانون اسلام تحت عنوان عقد قرض شناخته می‌شود. قرض در اصطلاح عبارت است از تملیک مال به دیگری، به گونه‌ای که ادای صحیح مثل یا قیمت بر عهده او باشد. به مملک مقرض و به مملک مستقرض یا مقترض گفته می‌شود.^۲ در چارچوب این عقد ناشر (اعتباردهنده، مقرض، بستانکار) مبلغی را به دارنده کارت (اعتبارگیرنده، مقترض و بدهکار) قرض می‌دهد. حداکثر میزان قرضی که ناشر می‌پذیرد در اختیار گیرنده کارت قرار دهد، برابر با سقف اعتباری در کارت‌هاست. البته مقدار قرض بستگی به استفاده دارنده کارت از اعتبار کارت است که ناشر قبلاً موافقت خود را برای در اختیار قراردادن آن به‌عنوان قرض پذیرفته است.

مسئله دیگری که در این باب باید توضیح داده شود، مربوط به صیغه عقد است. از آنجایی که قرض از عقود است، احتیاج به ایجاب و قبول دارد، مانند قول: اقرضتک یا کلماتی از این قبیل و قبولی که دلالت بر رضایت مقترض دارد. لیکن هر بار که دارنده از کارت استفاده می‌کند، نمی‌تواند

^۱ Credit Agreement

^۲ امام خمینی: *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۶۲۵.

به ناشر مراجعه کند. توصیه به معاطات در این شرایط است.^۱ امام خمینی (ره) معاطات را در قرض جاری می‌داند و می‌فرماید: در قرض لازم نیست صیغه بخوانند، بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد صحیح است.^۲ با توجه به این مطالب می‌توان صدور کارت را به‌عنوان رضایت مقرض تلقی کرد.

۲-۶-۳- رابطه بین ناشر و بازرگان

از نظر قانونی این رابطه یک قرارداد بازپرداخت^۳ است که در آن ناشر، بدهی دارنده کارت را به بازرگان می‌پردازد. از منظر قانون اسلام این رابطه را در قالب عقد صلح مورد بررسی قرار می‌دهیم. "صلح در لغت به معنای سازش، آشتی و توافق است و در اصطلاح شرعی قراردادی است که به موجب آن انسان با دیگری سازش می‌کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند یا از حق خود بگذرد، خواه این سازش در برابر عوض یا بدون عوض باشد" (موسویان، ۱۳۸۶، ۲۴۷). طبق این نوع رابطه، ناشر با بازرگان صلح می‌کند تا مقدار بدهی دارنده کارت را که در نتیجه کاربرد کارت اعتباری ایجاد شده است را به وی پرداخت کند.

۳-۶-۳- رابطه بین دارنده کارت و تاجر

قراردادی که بین این دو برقرار می‌شود، یک قرارداد فروش^۴ است و از دید اسلامی نیز بیع به-شمار می‌آید. در مورد تعریف بیع در قواعد الاحکام آمده است. "البيع انتقال عين مملوكة من شخص الى غيره بعرض مقدر على وجه التراضي"^۵ بیع عبارت از انتقال عین ملک از شخصی به شخص دیگر در برابر عوض معلوم و مشخص با رضایت طرفین است. در واقع بیع عبارت است از عقدی که به‌وسیله آن، بازرگان (بایع) عین مالی را در مقابل وجهی به طرف مقابل خود (دارنده کارت) تملیک می‌کند. شایان ذکر است این رابطه از نوع بیع نسیه و در مقابل بیع نقد است. در کارت‌های اعتباری غربی بازرگان صورت حسابی را به بانک تحویل می‌دهد و پس از آن بانک، مبلغ کالا یا خدمات را به تاجر پرداخت می‌کند. یعنی تا زمانی که تاجر صورتحساب را به ناشر تحویل ندهد قادر به دریافت

^۱ برای مطالعه بیشتر در زمینه معاطات مراجعه شود به: البیع، جلد ۱، صص ۱۸۲-۱۸۰.

^۲ رساله توضیح المسائل مطابق فتاوی مراجع معظم تقلید، ص ۶۱۹.

^۳ Reimbursement Agreement

^۴ Supply Agreement

^۵ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۵.

بدهی خود نخواهد بود، لیکن درحالی که در بیع نقد، در زمان انجام بیع، مبلغ کالا یا خدمات خود را دریافت می‌کند.

بررسی سه رابطه در حالت کلی:

وقتی دارنده کارت برای خرید به تاجر مراجعه می‌کند، تاجر کالا را به اصل مبلغ و مبلغی اضافی معادل نرخ نسیه طی بیع نسیه به دارنده کارت می‌فروشد. وقتی دارنده، کارت اعتباری را در دستگاه قرار می‌دهد و میزان خرید را مشخص می‌کند. حساب وی نزد بانک بدهکار شده و از میزان اعتبار وی کاسته می‌شود و در واقع مقدار خرید به عنوان قرضی خواهد بود که بانک در اختیار دارنده کارت قرار داده است. بانک برای وصول طلب خود در موعد یک مدت معین، صورتحسابی را برای دارنده می‌فرستد. حال اگر دارنده در مدت مشخصی پس از دریافت صورتحساب مثلاً ده روز نسبت به تسویه حساب خود اقدام کند، بانک میزان نسیه خرید دارنده را از کل بدهی دارنده کم کرده و فقط اصل قیمت کالا یا خدمات را از وی دریافت می‌کند. حال فرض کنید مدت زمان نسیه شش ماه بوده باشد، اگر دارنده در طول این مدت بدهی خود را به بانک بپردازد، بانک می‌تواند به تناسب مدت زمان از حقوق خود بگذرد و از میزان نسیه بکاهد. حال اگر در این مدت نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نکرد، بانک می‌تواند علاوه بر مقدار بدهی دارنده، مبلغی را نیز به عنوان جریمه تأخیر از وی دریافت کند. از سوی دیگر طبق عقد صلح، بانک در رابطه با تاجر، اصل مبلغ کالا و خدمات را پس از کسر مقدار نسیه از کل بدهی دارنده، به بانک پرداخت می‌کند.

نکته‌ای که در اینجا باید دقت شود در مورد زمان پرداخت قیمت کالا توسط بانک به تاجر است که بهتر است با وقفه انجام گیرد تا شرط بیع نسیه برقرار باشد. زیرا اگر در همان زمان مبلغ خرید کالا به تاجر پرداخت شود می‌تواند محل اشکال در بیع نسیه باشد.

۴- بررسی شرایط حاکم بر کارت‌های اعتباری

در این بخش ابتدا مفهوم شرط و صحیح یا باطل بودن آن را از دیدگاه اسلامی بیان کرده و سپس شرایط حاکم بر کارت‌های اعتباری را از نظر صحیح یا باطل بودن تفکیک می‌کنیم.

۴-۱- مفهوم کلی شرط و اصول حاکم بر آن

اصطلاح شرط در اصول فقه و در مباحث فقهی و حقوقی امری است که از عدم آن، عدم مشروط لازم آید، ولی از وجود مشروط لازم نیاید (فاضل مقداد، ۴۹). مانند زوجیت دائم که شرط

ابقاع طلاق است. به این معنا که اگر زوجیت نباشد، قطعاً طلاقی واقع نمی‌شود، لیکن وجود زوجیت موجب طلاق نمی‌شود. شرط که نوعی تعهد الزام و التزام است گاه به‌طور مستقل مورد قرار داد و عقد قرار می‌گیرد و گاه ضمن قرارداد که تعهد مستقل دیگری است به‌وجود می‌آید و در اثر این امر جنبه تبعی به خود می‌گیرد؛ در این صورت به آن شرط ضمن عقد می‌گویند.^۱ حال پرسش این است که چه شرطی قابل قبول و چه شرایطی قابل قبول نیست؟^۲

در این مورد بین علما اختلاف وجود دارد. درحالی‌که برخی از علما فقط شرایطی را مورد قبول قرار می‌دهند که در زمان شارع صحت و حلیت آنها در آیات و روایات تصریح شده است. برخی دیگر صحت عقود و قراردادهایی که در زمان شارع رایج نبوده و یا شارع به صحت آنان تصریح نکرده است را شبهه‌ناک دانسته و احتیاطاً انجام آنها را درست نمی‌دانند.

در مقابل دو نظر قبلی که سرانجام به یک نتیجه منجر می‌شود و عقود و قراردادهایی را که بدون اجازه صریح شارع است را ممنوع می‌دانند. نظر سومی نیز وجود دارد که با توجه به اصل حلیت، اصل اباحه، اصل آزادی قراردادها و اصل حاکمیت اراده اشخاص، هر نوع عقد و قراردادی را که ناشی از اراده و رضایت اشخاص با هر اسم و عنوانی و یا بدون عنوان خاصی و در هر عصر و زمانی را صحیح می‌دانند، مگر آنکه با نص صریح و قطعی در شرع مقدس از آن عقد و قرارداد منع شده باشد. در بین علمای اهل سنت نیز "ظہیری" کل معاهدات و شرایط مرتبط با آنها، به جز آنهایی که در شرع پذیرفته شده است را مردود می‌داند. درحالی‌که "جمہور" با نظر سوم موافق بوده و تمام شرایط را به جز آنهایی که به‌روشنی از آنها نهی شده را می‌پذیرد. آنها معتقدند هر شرطی که بر خلاف قرآن و سنت باشد باطل است، لیکن این بدان معنا نیست که هر شرطی که توسط این دو منبع مورد بحث قرار نگرفته، باطل است.

علمایی که با نظر سوم موافقت، در لزوم انجام عهد و شرایط در صورتی که از آن منع نشده باشد به آیات و روایات متعددی استناد می‌کنند از جمله:

"یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود..."^۳ ای اهل ایمان به عهد و پیمان خود وفا کنید "أوفوا بعهدالله اذا عاهدتم و لاتنقضوا الایمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً ان الله یعلم ما تفعلون"^۴ چون

^۱ امامی، سیدحسن: حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم ۱۳۷۰ ش.

^۲ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به مجموعه مباحث شورای مشورتی، بخش نهم، صص ۵۶-۵۰.

^۳ سوره مائده آیه ۱

^۴ سوره نحل آیه ۹۱.

عهدی بستید به آن عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار شد نشکنید چرا که خدا را بر خود گواه گرفته‌اید و خدا به هر چه می‌کنید آگاهست. "أوفو بالعهد ان العهد کان مسئولاً"^۱ همه به عهد خود وفا کنید که البته از عهد و پیمان سؤال خواهد شد. رسول خدا می‌فرماید: "المؤمنون - المسلمون عند شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً او احل حراماً"^۲

۲-۴- انواع شرایط در قراردادها

شرایط در قراردادها در حال کلی به دو قسم^۳ تقسیم می‌شود. ۱- شرط صحیح ۲- شرط باطل. شرط صحیح آن است که موجب حقی برای مشروط له به عهده مشروط علیه گذاشته شود، به‌گونه‌ای که مشروط له حق مطالبه آن را از مشروط علیه داشته باشد. لیکن شرط باطل عبارت است از شرطی که به نحو صحیح واقع نشود و وفای به آن واجب نبوده و اثر حقوقی بر آن مترتب نگردد. چنین شرطی به تصریح فقها عبارت است از شرطی که انجام آن غیرمقدور، بی‌فایده، نامشروع، خلاف مقتضای عقد و یا مجهول باشد. حال به بررسی شرایط حاکم بر کارت‌های اعتباری می‌پردازیم.

۱-۲-۴- شرایط صحیح

در اینجا به شش شرط صحیح در کارت‌های اعتباری اشاره می‌شود.

یکم - شرایط مربوط به مسئولیت

ناشر کارت اعتباری به‌عنوان بخش قدرتمند در معاملات کارت اعتباری، مسئولیت‌هایی را برای خود و دارنده کارت در نظر می‌گیرد شامل:
ناشر موظف به حمایت مالی و مسئول پرداخت کلیه معاملاتی است که با کارت صورت می‌گیرد. ناشر موظف است تسهیلات کارت اعتباری را همان‌طور که در قرارداد با دارنده کارت ذکر شده فراهم کند.
ناشر حق دارد هر زمان که بخواهد از دارنده کارت خواستار عودت کارت شود.

^۱ سوره اسراء، آیه ۳۴.

^۲ وسایل الشیعه ۳۵۳/۱۲ و ۳۵۴ و ۳۰/۲

^۳ در بین علمای اهل سنت حنفی سه قسم (صحیح، باطل، فاسد) را در نظر می‌گیرد در حالی که حنبلی، مالکی و شافعی به دو قسم قائلند.

دارنده کارت نسبت به بازپرداخت کلیه بدهی‌های ناشی از خرید با کارت، مسئول خواهد بود. هیچ کدام از قوانین فوق در تناقض با هیچ کدام از قوانین شرع قرار ندارد.

دوم - شرایط مرتبط با افتتاح حساب نزد ناشر

ناشران از مشتریانی که درخواست استفاده از خدمات کارت‌های اعتباری را می‌کنند، می‌خواهند تا یک حساب باز کرده و مقداری وجه نقد را که قابل برداشت نخواهد بود را در بانک به‌عنوان وثیقه سپرده‌گذاری کنند. بانک‌ها از این منابع برای فعالیت‌های اعتباری استفاده کرده و سود کسب می‌کنند. به این نوع وضعیت در قوانین اسلامی به‌عنوان رهن اجازه داده شده است. طبق قانون اسلام هر چیزی که بتواند بدهی را با پول نقد تسویه کند، می‌تواند به‌عنوان وثیقه استفاده کرد. ولی اگر این وثیقه پول باشد ناشر می‌تواند با رضایت مشتری این وجه را طبق عقود اسلامی مانند مضاربه سرمایه‌گذاری کند و هرگونه سودی که بر پایه آن تحقق یافت را میان دارندگان کارت و ناشر طبق درصدی خاص تقسیم کند.

سوم - شرایط مرتبط با کارمزدها

در زمان صدور کارت اعتباری و یا همزمان با بهره‌گیری مشتریان از کارت‌های اعتباری، بانک‌ها و مؤسسات مالی هزینه‌های ثابت و کارمزدهایی را با عنوان‌های مختلف دریافت می‌کنند که در کارت اعتباری متعارف عبارت‌اند از: ۱- هزینه عضویت ۲- هزینه تمدید ۳- هزینه تعویض ۴- کارمزد تمدید پیش از موعد.

این نوع دریافتی‌ها در واقع مربوط به آرایه خدماتی است که توسط این مؤسسات صورت می‌گیرد و مقدار این دریافتی‌ها ثابت است. از نقطه‌نظر شرعی دریافت این نوع هزینه‌ها هیچ مانعی ندارد. چون مقدار این هزینه‌ها ثابت است و مرتبط با مبلغ کارت اعتباری نیست، بنابراین دریافت آن‌ها را محسوب نمی‌شود و اشکالی ندارد.

چهارم - شرایط مرتبط با کارمزد دریافتی از تاجر

یکی از مهم‌ترین شرایط در موافقتنامه بین ناشر و تاجر پرداخت کارمزدی معادل ۱ تا ۵ درصد ارزش مبادلات کارت‌های اعتباری است.^۲ دریافت این کارمزد برای ناشر به‌صورت درصدی از هزینه

¹ Commission

² Jones, p.276.

کالا و خدمات مجاز شناخته شده است. این کارمزد به عنوان حق دلالتی^۱ یا هزینه خدمات برای جمع‌آوری بدهی‌ها در نظر گرفته می‌شود.^۲

پنجم- بیمه و جوایز

روش‌های متعددی توسط ناشران برای جذب افراد به کارت‌های اعتباری به کار می‌رود. یکی از این روش‌ها، فراهم کردن جوایز و امتیازهای مختلف برای مشتریان است مانند پوشش بیمه رایگان بیمه در مقابل حوادث مسافرتی و ... از آنجا که این نوع خدمات، هزینه‌ای را برای دارندگان به همراه ندارد و فقط به منظور تبلیغات و جذب افراد استفاده می‌شود، از نظر اسلامی مباح بوده و اشکالی ندارد.

ششم- شرایط مرتبط با فسخ یک جانبه قرارداد توسط ناشر

برخی مواقع ناشر به عنوان بخش قوی‌تر در معاملات کارت اعتباری و در صورت رعایت نکردن شرایط قرارداد توسط دارندگان کارت، اقدام به فسخ قرارداد می‌کند. در این مواقع ناشر، کارت را جز فهرست کارت‌های ابطال شده قرار می‌دهد و بدین ترتیب تاجر از این مسئله آگاه می‌شود. این امر در قوانین شرعی پذیرفته شده است. به این دلیل که ضامن حق دارد، هر زمانی که بخواهد از ضمانت خود انصراف دهد و این مسئله را به اطلاع مضمون له برساند. پس از انصراف ضامن، دیگر وی در مقابل معاملات و بدهی ناشی از آن‌ها مسئول نخواهد بود.

۲-۲-۴- شرایط باطل

بعد از بیان شرایط صحیح، شرط‌های باطل را که در کارت‌های اعتباری متعارف وجود دارد را بیان می‌کنیم.

الف- پرداخت بهره در هر معامله‌ای که از طریق کارت اعتباری انجام می‌گیرد و دارنده کارت را ملزم به پرداخت ۱ تا ۲/۵ درصد قیمت کالا می‌کند.

ب- پرداخت درصد اضافی توسط دارنده برای برداشت مبلغ معینی پول که درصد آن با افزایش مبلغ برداشت افزایش خواهد یافت.

ج- پرداخت بهره در انتقالات جاری

¹ Brokerage

² AAOIFI: *Shari' a Standards* 1423H/2002, p.22.

تمام شرایط بیان شده به دلیل مرتبط بودن با مبلغ و مدت بدهی و همچنین شرط زیادتی ربا محسوب می‌شود و حرام است. در ادامه بحث شرط جریمه تأخیر بررسی می‌شود که در مورد صحیح یا باطل بودن آن نظرات متفاوت است.

۳-۲-۴- شرط غرامت و جریمه تأخیر در پرداخت

شرط جریمه تأخیر برای اجرایی کردن کارتهای اعتباری، عدم تحمیل خسارت به بانکها و جلوگیری از سو استفاده برخی افراد، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. درحالی که بسیاری از علما این شرط را زیادتی (ربا) و حرام می‌دانند. با این وجود شورای نگهبان در قالب یک نظر فقهی و به صورت شرط ضمن عقد آن را پذیرفته است.^۱ بدین صورت که اگر وام گیرنده به صورت شرط بپذیرد که در صورت نپرداختن بدهی در سررسید، باید مبلغی را به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد، گرفتن آن مبلغ جایز است. از این رو جریمه تأخیر فقط زمانی صحیح است که به صورت شرط ضمن عقد قرض بیان شود و وام گیرنده نیز آن را بپذیرد.

یکی از فقهای شورای نگهبان در تبیین نظر شورای نگهبان معتقد است که جریمه تأخیر، ربا نیست؛ بلکه بانک می‌گوید: سر ماه باید قسط خود را بپردازی. اگر نیاوردی، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازی، نه اینکه جریمه را می‌دهی تا مبلغ (قسط) یک ماه دیگر پیش تو بماند. از این رو تأخیر تأدیه، ربا نیست. حال که ربا نیست، اگر در ضمن عقد با قرض شرط شده باشد، حکم "المؤمنون عند شروطهم" را دارد و اشکال به وجود نمی‌آید.^۲

خلاصه و نتیجه گیری

براساس قانون اسلام صدور یا تهیه کارتهای بدهی و هزینه جایز است. به شرط آنکه دارنده فقط از موجودی حساب خود برداشت کند و هیچ سود و بهره‌ای (ربا) از او گرفته نشود. لیکن آنچه که جای اختلاف است کارتهای اعتباری هستند. در این نوع کارتها به دلیل بهره‌ای که از دارنده کارت توسط ناشر دریافت می‌شود، از نظر اسلامی قابل قبول نیست.

^۱ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۱۳۰۱، ۱۳۶۲/۹/۲۲.

^۲ مصاحبه با حضرت آیتا.. رضوانی، ۱۳۷۲، ص ۳۳ و ۳۴.

دانشمندان و حقوقدانان اسلامی روش‌های متفاوتی را برای ایجاد امکان استفاده از این کارت‌ها بیان کرده‌اند تا بتوانند بهره و ربا را از آن‌ها حذف کرده و آن‌ها را در قالب عقود اسلامی وارد سازند. این روش‌ها شامل: حاکمیت قرارداد جعاله و جریمه تأخیر، حاکمیت قرارداد حواله و جریمه تأخیر، قرارداد براساس بیع نسبی، قرارداد برحسب بیع‌العینه و کارت اجاره است. در تمام روش‌های فوق رابطه بین ناشر، تاجر و دارنده در کارت اعتباری براساس یک عقد مانند عقد اجاره، عقد جعاله، حواله و ... صورت می‌پذیرد. لیکن در راهکار پیشنهادی، ارتباط بین طرفین (ناشر، تاجر و دارنده) در قالب سه نوع رابطه مدنظر قرار می‌گیرد. قرارداد بین ناشر و دارنده کارت، یک قرارداد اعتباری است که در قانون اسلام با عنوان عقد قرض شناخته می‌شود. رابطه ناشر و بازرگان یک قرارداد بازپرداخت است که در چارچوب عقد صلح است و رابطه بازرگان و دارنده کارت یک قرارداد فروش است که از دید اسلامی بیع به شمار می‌آید.

در ادامه مقاله به بیان شرایط صحیح و باطل در کارت‌های اعتباری که به‌عنوان شرایط ضمن عقد مطرح می‌شوند، پرداخته شده است. این شرط‌ها به دو دسته شرایط صحیح و شرایط باطل تقسیم شده است. در شرایط صحیح به شرایط مربوط به مسئولیت، شرایط مرتبط با افتتاح حساب نزد ناشر، شرایط مرتبط با کارمزدها، شرایط مرتبط با کارمزد دریافتی از تاجر، بیمه و جوایز و شرایط مرتبط با فسخ یک جانبه قرارداد توسط ناشر اشاره شده است و سرانجام شرایط باطل و شرط غرامت و جریمه تأخیر در پرداخت بیان شده است که شرط جریمه تأخیر تحت شرایطی از طرف شورای نگهبان مجاز شمرده شده است.

کتابنامه

الف. فارسی

الزحیلی، وهبه: *الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، دارالفکر*، ق ۱۴۱۸.

الشافعی، محمد بن ادريس: *کتاب الام*، بیروت، دارالمکتب العلمیه، بی تا.

امامی، سیدحسن: *حقوق مدنی*، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۰.

تسخیری، محمدعلی: *پنجاه درس در اقتصاد اسلامی*، تهران، انتشارات فرهنگ مشرق زمین، ۱۳۸۲.

حر عاملی، محمد بن حسن: *وسائل الشیعه*، بی جا، بی تا، ۱۴۱۳.

حسینی عاملی، سیدجواد، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعدالعلامه*، بیروت، مؤسسه آل البیت، بی تا.

حلی، علامه: *قواعد الاحکام*، به نقل از: مروارید، علی اصغر، ۱۴۱۰ هـ.ق، سلسله الینابیع الفقهیه، بیروت، الدار الاسلامیه.

خمینی، امام (ره): *تحریر الوسیله*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸.

رساله توضیح المسائل مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید، تهران، نشر تفکر، ۱۳۷۳.

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۱۳۰۱، ۱۳۶۲/۹/۲۲.

شیخ طوسی: *النهایه*، چاپ در سلسله الینابیع الفقهیه.

شهید ثانی، محمدبن جمال الدین مکی عاملی: *شرح لمعه (الروضه البهیه فی شرح اللعه دمشقیه)*، بیروت، دارالعالم الاسلامی.

فاضل مقداد، جمال الدین المقدادبن عبدالله السیوری: *نضد القواعد الفقہیہ علی مذهب الامامیہ*، قم، مکتب آیت الله مرعشی، چاپ ق.

مجموعه مباحث شورای مشورتی پیرامون مسائل مالی و بانکداری اسلامی، بهار ۱۳۸۶، پژوهشکده پولی و بانکی.

محمد بن رشد: *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*، بیروت، ۱۹۸۱.

مصاحبه با حضرت آیتا.. رضوانی، عضو محترم فقیهان شورای نگهبان درباره بانکداری اسلامی، بانک مرکزی ایران، تهران ۱۳۷۲.

مروارید، علی اصغر: *سلسله الینابیع الفقہیہ*، لبنان، موسسه الدار الاسلامیہ، چاپ اول: ۱۴۱۰.

موسویان، سیدعباس: *بررسی فقهی کارت های اعتباری در بانکداری بدون ربا*، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان ۱۳۸۴.

موسویان، سیدعباس: *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

موسوی خمینی، روح الله: *البیع*، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

ب.انگلیسی

Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI) 1423H/2002. *Shari' a Standards*. .Manama, Bahrain.

Jones, Sally A: *The Law Relating to Credit Cards*, London: BPS Professional books, 1989.

Salihou Kante, Aboubacar: *Credit Cards from the Islamic Legal Perspective*, Ilmiah Publishers, Kuala Lumpur, 2006.